فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc536444191)

[تقسیمات در باب مطلق و مقید 2](#_Toc536444192)

[تقسیم اول: وحدت یا تعدد موضوع و متعلق 2](#_Toc536444193)

[الف. وحدت موضوع و متعلق 2](#_Toc536444194)

[ب. تعدد موضوع و متعلق 3](#_Toc536444195)

[تقسیم دوم: تناسب مثبت و نافی در مطلق و مقید 5](#_Toc536444196)

[تقسیم سوم: تکلیفی و وضعی بودن حکم در مطلق و مقید 5](#_Toc536444197)

[تقسیم چهارم: وحدت حکم و تعدد حکم در مطلق و مقید 6](#_Toc536444198)

[تقسیم پنجم: اتصال و انفصال در ارتباط مطلق و مقید 6](#_Toc536444199)

[نکات مربوط به تقسیم اول 7](#_Toc536444200)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# اشاره

بحث اخیر در امرونهی؛ حمل مطلق بر مقید بود، این امر رایجی است در کلمات متکلمین و از جمله در کلمات شارع که مطلقی بگوید و بعد ناظر به همان یک بیان مقیدی داشته باشد، همیشه این سؤال وجود دارد که آیا مطلق بر مقید حمل می‌شود یا نمی‌شود؟ یا احوال و شرایط متفاوت روی آن اثر دارد؟

بنا هست که در اینجا در محط اصلی بحث، چند محور را تعیین و تکلیف بکنیم.

# تقسیمات در باب مطلق و مقید

در ابتدا به این نکته اشاره بکنم که چند تقسیم در باب مطلق و مقید وجود دارد که این تقسیمات در تصمیم‌گیری طبعاً اثر دارد و این تقسیماتی که در باب مطلق و مقید هست، چهار، پنج تقسیم است که بعضی از آن‌ها در یکدیگر ضرب و تقسیم می‌شوند و اقسامی از آن بیرون می‌آید:

## تقسیم اول: وحدت یا تعدد موضوع و متعلق

### الف. وحدت موضوع و متعلق

اولین تقسیمی که در مطلق و مقید باید به آن توجه کرد؛ وحدت موضوع و متعلق و تعدد موضوع و متعلق است، بیان این تقسیم این است که؛ یک صورت هست که متعلق و موضوع یک‌چیز است، منتهی یکی مطلق است و یکی مقید است، بیشتر محل بحث همین است، اکرم العالم، اکرم العالم العادل، در اینجا متعلق اکرام است، موضوع هم عالم است، منتهی یکی از این‌ها مطلق است و یکی مقید است، متعلق و موضوع واحد هست و تفاوت این‌ها به اطلاق و تقیید است.

#### 1. اطلاق و تقیید در موضوع

صورت اول به دو قسم تقسیم می‌شود، یعنی صورت اول به این نحو است که متعلق و موضوع دو خطاب مطلق و مقید واحد است منتها موضوع در یکی مطلق و در یکی مقید است که غالباً هم همین‌طور است، موضوع در یک مثال العالم است که مطلق است و در دیگری العالم العادل هست که مقید است.

#### 2. اطلاق و تقیید در متعلق

گاهی هم حالت دومی دارد و آن این است که خود متعلق، اطلاق و تقیید دارد، اطلاق و مقید اولی در موضوع بود، یعنی عالم و آن شیء خارجی، گاهی هم هست که اطلاق و تقیید در خود متعلق است، یعنی آن فعل مکلف که هیئت بر آن سوار شده است مثل اکرام، هر چند این کمتر است، اما می‌شود، مثلاً یک دلیل می‌گوید: اکرم العالم، دلیل دیگر می‌گوید: اکرم العالم باستضافته، اکرام عالم به این است که او را دعوت کنید و میزبانی او را بکنید، در اینجا عالم یکی است، موضوع مطلق و مقید نیست، متعلق مطلق و مقید است، منظور از أکرم در اکرم العالم یعنی هر نوع اکرامی، اما اینجا می‌گوید: اکرامی که به دعوت و میزبانی کردن از او باشد یا اینکه مثلاً او را احترام بگذارید و امثالهم، اکرام در آنجا مطلق و در اینجا مقید است، غالباً هم از نوع اول است که موضوع مطلق و مقید است که عالم و عالم عادل باشد، اما همیشه نوع اول نیست، گاهی هم اطلاق و تقیید در عنوان اکرام است، اکرام ده نوع دارد، اولی مطلق است، اما دومی یک نوعی خاصی از اکرام را بیان می‌کند.

شق اول این است که مطلق و مقید در جایی است که عنوان موضوع و متعلق یکی است، منتهی موضوع یا متعلق در این دو اطلاق و تقیید دارند.

### ب. تعدد موضوع و متعلق

گاهی است که موضوع یا متعلق یا هر دو این‌ها با هم متفاوت هستند، به طور مثال در یک بیان گفته است: اکرم العالم، یکی دیگر می‌گوید: قلّد العالم العادل، اینجا متعلق فرق کرده است، درست است که یکی مطلق و دیگری مقید است، اما متعلق فرق کرده است، متعلق حکم؛ یکی اکرام و دیگر تقلید است، این‌ها با هم متفاوت هستند.

درواقع متعلق‌های این دو بیان مطلق و مقید دو چیز است، یکی اکرام و دیگری تقلید است.

بحثی که باید در اینجا پیگیری بشود، این است که؛ آن متعلق اولی که اکرام است، با متعلق دومی که قلّد است، چه نسبتی میان این‌ها است، اینکه عام و خاص مطلق هستند یا عام و خاص من وجه هستند؟

سؤالی که در اینجا پیش می‌آید این است که اکرام و تقلید چه نسبتی با هم دارند؟ اکرام و تقلید مساوی نیستند، چون فرض این است که عنوان‌ها متفاوت هستند، لذا سه نسبت دیگر می‌ماند:

1 – اکرام و تقلید متباین هستند.

2 – اکرام و تقلید عام و خاص مطلق هستند.

3 – اکرام و تقلید عام و خاص من وجه هستند.

البته سه نسبت یک تأثیراتی در جمع‌بندی دو دلیل خواهد داشت.

گاهی هست که متعلق یکی هست، اما موضوع متفاوت باشد، یکی می‌گوید: اکرم العالم و دیگری می‌گوید: اکرم الفقیر.

حالت اول این است که؛ موضوع و متعلق مثل هم هستند، منتهی به نحو اطلاق و تقییدی است، اطلاق و مقید و عام و خاصی در متعلق یا در موضوع است.

حالت دوم این است که؛ موضوعات شبیه هم هستند، متعلق متفاوت است.

حالت سوم این است که؛ متعلقات شبیه هم هستند و موضوع متفاوت است.

در بحث اطلاق و تقیید، قسم دوم و سوم را خارج از بحث قراردادند، یعنی می‌گویند: اینجا که موضوع و متعلق متفاوت است، مثل حالت چهارم است که هم موضوع و هم متعلق متفاوت است، به طور مثال کسی می‌گوید: أقم الصلاة و دیگری می‌گوید: أکرم العالم.

سه قسم اخیر در بحث اطلاق و تقیید محل بحث قرار نگرفتند، برای اینکه مفروض این است که جایی می‌خواهیم اطلاق و تقیید را با هم بسنجیم که موضوع و متعلق یکی باشد، منتهی نسبت این با آن، اطلاق و تقیید است، مثل اکرام العالم و اکرام العالم العادل، اما سه قسم بعدی محل بحث نبوده است، این معنایش این نیست که سه قسم دیگر محل بحث ندارد، بلکه سه قسم بحث دارند، مخصوصاً قسم دومی که اینجا ذکر شد، خیلی می‌تواند محل بحث باشد.

بنابراین اولین تقسیم در خطاباتی که به نحوی با هم یک اطلاق و تقییدی دارند، این است که متعلق و موضوع در هر دو واحد هستند، منتهی به نحو اطلاق و تقیید است، مثل أکرم العالم، أکرم العالم العادل، قسم دوم این است که؛ متعلق‌ها متفاوت هستند، اما موضوعات به نحو اطلاق و تقیید واحد هستند، مثل أکرم العالم، قلّد العالم العادل، قسم سوم این است که؛ متعلق‌ها واحد هستند و موضوعات متفاوت هستند، مثل أکرم العالم، أکرم الفقیر العادل، قسم چهارم این است که؛ موضوعات و متعلقات متفاوت هستند، مثل أکرم العالم، جاهد عدو الفاسق.

قسم دوم و سوم و چهارم از محل بحث در اینجا بیرون هستند، خیلی روی این‌ها بحث نشده است، برای اینکه بعضی از آن‌ها بحثی ندارد، البته بعضی از آن‌ها می‌تواند بحث‌هایی داشته باشد، از جمله در قسم دوم است که یکی می‌گوید: أکرم العالم، دیگری می‌گوید: قلّد العالم العادل، در اینجا می‌شود یک بحث فنی باز بشود که نسبت اکرام و تقلید، آیا نسبتشان عموم و خصوص مطلق یا من وجه یا تباین هستند، بعضی از اقسامش ممکن است در طراحی بحث و تحلیل و اجتهاد اثر بگذارد.

قسم اول به دوشاخه تقسیم می‌شود که مهم است، برای اینکه اطلاق و تقیید همیشه در موضوع نیست، مثل العالم، العالم العادل، گاهی اطلاق و تقیید در عنوان خود متعلق قرار می‌گیرد، مثل أکرم العالم، دلیل بعد می‌گوید: أکرم العالم باستضافته فی البیت، اکرامش بکن به اینکه او را در خانه‌ات مهمان بکن، در دلیل اول اکرام مطلق است و در دوم مقید است، درحالی‌که در مثال مشهور، خود موضوع مطلق و مقید است که عالم و عالم عادل هستند.

## تقسیم دوم: تناسب مثبت و نافی در مطلق و مقید

تقسیم دوم؛ تقسیم مثبتین و نافیین یا مثبت و نافی بودن است که در همان صورت اول از تقسیم اول که موضوع و متعلق واحد بودند از حیث مثبت و نافی بر چهار قسم است:

1 – مطلق و مقید مثبتین هستند، مثل أکرم العالم، أکرم العالم العادل.

2 – مطلق و مقید نافیین هستند، مثل لا تکرم الفاسق، لا تکرم الفاسق المتجاهر یا فاسق مرتکب کبیره.

3 – مطلق مثبت و مقید نافی هست، مثل أکرم العالم، لا تکرم العالم الفاسق.

4 – گاهی هم برعکس قسم سوم هستند، مثل لا تکرم العالم الفاسق، أکرم العالم که مرتکب صغیره است و مرتکب کبیره نیست.

این تقسیم در احکام خیلی فرق دارد، فرق اولی که واضح است، این است که؛ مثبتین و نافیین حمل مطلق بر مقید نمی‌شود، حمل مطلق بر مقید برای جایی است که مثبت و نافی باشد که قسم سوم و چهارم است.

## تقسیم سوم: تکلیفی و وضعی بودن حکم در مطلق و مقید

تقسیم سوم این است که؛ یک‌بار حکم در دلیل مطلق و مقید تکلیفی است و یک‌بار وضعی است، گاهی مطلق و مقید تکلیفی هستند، مثل أکرم العالم، گاهی هم هست مطلق و مقید در امور وضعی است، مثلاً یک دلیل می‌گوید: بول مبطل وضو هست، دلیل دیگر می‌گوید: بولی که از مجرای متعارف بیاید، مبطل است.

گاهی محط مطلق و مقید احکام تکلیفی یعنی امرونهی هستند، گاهی احکام وضعی هستند، قسم اول احکام وضعی به احکام الزامی و غیر الزامی تقسیم می‌شود، آن‌هم ممکن است اثر داشته باشد، اینکه هر دو خطابات الزامی هستند، مثل أکرم و لا تکرم، گاهی هم خطاب در مستحبات است، یک دلیل می‌گوید: نماز شب بخوان، دلیل دیگر می‌گوید: نماز شب با این قید بخوان، اگر مثبت و نافی هستند، یکی الزامی است یا اینکه حکم استحبابی و نقطه مقابلش کراهی و تنزیهی است یا تجویز است، این هم اقسامی پیدا می‌کند که گاهی در جمع‌بندی‌های اصولی تغییر ایجاد می‌کند.

پس تقسیم سوم به این صورت شد که مفاد دو خطاب مطلق و مقید گاهی احکام تکلیفی است و گاهی احکام وضعی است.

احکام تکلیفی هم گاهی الزامی هستند و گاهی غیر الزامی هستند.

## تقسیم چهارم: وحدت حکم و تعدد حکم در مطلق و مقید

تقسیم چهارم که در اصول فقه هم ذکر شده است؛ وحدت حکم و تعدد حکم است، گاهی هست حکم متکرر و متعدد به نحو عام استغراقی است، مثل أکرم العالم، أکرم العالم العادل که به تعدد علما این اکرام تعدد پیدا می‌کند و تأکیدهای متعدد زیر سایه این خطاب قرار دارد، گاهی هم وحدت حکم است، وحدت حکم به این معنا که؛ یکی گفته است: أعتق رقبة، دیگر گفته است: أعتق رقبة مؤمنة، اینجا می‌دانیم یک تکلیف بیشتر نداریم، مثلاً شخصی که این خلاف را در حج یا در صوم انجام داده است، یک کفاره‌ای برای او قرار داده شده است، معلوم است که یک تکلیف بیشتر ندارد، مطلق بدلی است، أعتق رقبةً، دلیل دیگر می‌گوید: رقبة مؤمنة، این تعدد تکلیف نیست که مثلاً این عالم را اکرام بکن یا عالم دیگر را اکرام بکن، بلکه یک دلیل می‌گوید: أعتق رقبةً، دلیل دیگر می‌گوید: رقبةً مؤمنة، این وحدت و تعدد حکم است که خیلی اثر دارد.

## تقسیم پنجم: اتصال و انفصال در ارتباط مطلق و مقید

تقسیم پنجم؛ متصل و منفصل است، ارتباط مطلق و مقید چگونه است؟ گاهی هست که این مقید قرینه لبیّه است، گاهی لفظیه است، هر یک از این‌ها تقسیمی دارد، مقید لفظی تقسیم می‌شود به مقید متصل، مثل أکرم العالم إلّا الفاسق و مقید منفصل، مثل أکرم العالم، لا تکرم العالم الفاسق.

قرینه لبیّه هم تقسیم می‌شود، چون قرینه لبیّه گاهی یک مدلول عقلی خیلی آشکار و واضح است که در حکم متصل است، گاهی قرائن لبیّه یک حکم عقلی است که باید فکر کرد و به آن رسید، حالت اتصال ندارد، به حکم منفصل است، لذا مقید گاهی لفظی است و گاهی لبی است، لفظی یا متصل است یا منفصل است، لبی یا به حکم متصل است و یا به حکم منفصل است.

لفظی متصل هم تعابیر متفاوت می‌تواند داشته باشد، مثل اینکه گاهی به شکل استثنا است، مثل أکرم العالم إلّا الفاسق من العلما یا اینکه منفصلی است که دو جمله در کنار هم قرار گرفته است، مثل أکرم العالم و أکرم العالم العادل که دو جمله را در کنار هم می‌گوید، به شکل استثنا نمی‌گوید یعنی خود متصل هم گاهی به شکل استثنا است و تعابیری شبیه استثنا است، گاهی به شکل دو جمله مستقل است که بلافاصله در کنار هم قرارگرفته‌اند، در اینجا مصداق دارد.

سؤال...

جواب: شمولی و بدلی در ذیل وحدت و تعدد مقصودمان بود، این تقسیم که گاهی گفته می‌شود: مطلق و مقید گاهی شمولی هستند، گاهی بدلی هستند و گاهی مجموعی هستند، اگر بدلی باشد؛ حکم؛ وحدت حکم می‌شود، شمولی که باشد، تعدد می‌شود، ظاهراً باید با آن مساوی باشد.

از پنج منظر می‌شود بحث مطلق و مقید را تقسیم کرد و اگر اقسام را به هم ضرب و تقسیم کرد اقسام مختلفی به وجود می‌آید.

در خصوص هر یک از تقسیمات جداجدا بحث می‌کنیم. در قسم اول که وحدت متعلق و موضوع است، منتهی تفاوتش به نحو اطلاق و تقیید در موضوع یا متعلق است بحث شده است اما سه قسم دیگر را محل بحث قرار ندادند.

### نکات مربوط به تقسیم اول

در تقسیم اول دو نکته است:

1 – محط بحث در اینجا همان قسم اول است و اقسام بعدی از محط بحث بیرون هستند، البته قسم دومش جای یک مباحثی دارد.

2 – در قسم اول اطلاق و تقیید همیشه در موضوع نیست، گاهی اطلاق و تقیید در متعلق است، مثلاً یک دلیل می‌گوید: أکرم العالم و دلیل دیگر می‌گوید: أکرم العالم باستضافته فی البیت، این‌ها مطلق و مقید هستند، اطلاق و تقیید در متعلق است، این دو قسم تأثیری نمی‌گذارد، هر چه در مورد حمل مطلق بر مقید یا عدم حمل مطلق بر مقید بیان کردیم، آنجا هم جاری می‌شود.